



درس اول

قواعد ترکیب

... زبان‌شناسی

نکته ۱: تعریف زبان: زبان وسیله انتقال پیام در بین انسان‌هاست.

نکته ۲: زبان از چه واحدهایی (عناصری) تشکیل می‌شود؟

واحدهای (عناصر) زبان به ترتیب از کوچک به بزرگ عبارت‌اند از: «واج، تکواژ، واژه، گروه، جمله و جمله مستقل»

نکته ۳: کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین واحد زبان چیست؟

کوچک‌ترین واحد زبان < واج >

بزرگ‌ترین واحد زبان < جمله مستقل >

مثال: «ما به نمایشگاه کتاب رفتیم تا کتاب بخریم.»

واج‌ها < م + ا + ب + ن + م + ا + ی + ش + گ + ا + ه + ک + ت + ا + ب + ر + ف + ... >

تکواژها < ما + به + نما[ی] + ش + گاه + کتاب + رفت + یم + تا + کتاب + ب + خر + یم >

واژه‌ها < ما + به + نمایشگاه + کتاب + رفتیم + تا + کتاب + بخریم >

گروه‌ها < ما + به + نمایشگاه کتاب + رفتیم + تا کتاب + بخریم >

جمله اول: ما به نمایشگاه کتاب رفتیم

جمله دوم: تا کتاب بخریم

جمله مستقل: ما به نمایشگاه کتاب رفتیم تا کتاب بخریم.

نکته ۴: همه زبان‌های بشری از «واج» ساخته می‌شوند و در نهایت نیز به «واج» تجزیه می‌گردند.

نکته ۵: «قواعد ترکیب» چیست؟

در هر مرحله از ساختن واحدهای زبانی (واج، تکواژ، ...) قواعد بسیار منظم و دقیقی وجود دارد که تعیین می‌کند کدام واج‌ها یا تکواژها یا واژه‌ها می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند که به آن «قواعد ترکیب» می‌گوییم.

نکته ۶: «قواعد ترکیب» را کسی از پیش، تعیین نکرده است، بلکه ذاتی است و آشنایی ذاتی هر اهل زبانی با زبان خودش، پیشاپیش او را از وجود چنین قاعده‌هایی آگاه می‌کند.

نکته ۷: قواعد پنج‌گانه ترکیب، عبارت‌اند از:

- ۱- قواعد واجی
- ۲- قواعد هم‌نشینی
- ۳- قواعد نحوی
- ۴- قواعد معنایی
- ۵- قواعد کاربردی

۱- قواعد واجی

نخستین مرحله ترکیب و ساختن واحدهای زبانی است.

□ نکته گفتنی: ما برای تفهیم قواعد واجی ناگزیریم که ابتدا «واج» را بشناسیم. پس هرچه که در این جا (= درس اول) در مورد «واج» می‌گوییم در درس بعدی که «واج» را معرفی می‌کند، دیگر تکرار نمی‌کنیم.

نکته ۸: واج چیست؟

کوچک‌ترین واحد صوتی زبان است که معنایی ندارد اما تفاوت معنایی ایجاد می‌کند. [< تعریف کتاب درسی از «واج» >]

واج < عبارت است از >

صامت‌ها

مصوت‌ها

(۱) ء، ع	(۵) ث، س، ص	(۹) خ	(۱۳) ژ	(۱۷) ک	(۲۱) ن
(۲) ب	(۶) ج	(۱۰) د	(۱۴) ش	(۱۸) گ	(۲۲) و
(۳) پ	(۷) چ	(۱۱) ذ، ز، ض، ظ	(۱۵) غ، ق	(۱۹) ل	(۲۳) ی
(۴) ت، ط	(۸) ح، ه	(۱۲) ر	(۱۶) ف	(۲۰) م	

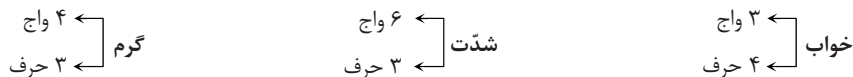
مصوّت‌های بلند	مصوّت‌های کوتاه
ا (۴)	ا (۱)
او (۵)	او (۲)
ای (۶)	ای (۳)

(روان شناسی، د / اء و / ا ن ش / ـ / ن ا س / ی / ا مصوت = هـ حـا



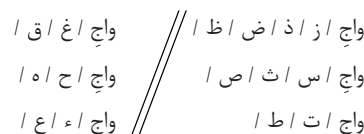
نکته ۱۶: تفاوت «واج» با «حرف» در چیست؟

«واج» شکل آوایی (صدایی) و تلفظی زبان است. ما آن چه را که تلفظ می‌کنیم واج به حساب می‌آوریم و آن چه را که به تلفظ در نمی‌آید، واج نمی‌دانیم در حالی که «حرف» شکل نوشتاری زبان است:



نکته ۱۷: هر هجایی به تنهایی می‌تواند ساخت آوایی یک کلمه را تشکیل دهد؛ مثل «کار»، «گفت»، «ساخت»، «میز»، «کارد» که به این واژه‌ها، کلمات «تک‌هجایی» می‌گوییم.

نکته ۱۸: (همان‌گونه که در جدول صامت‌های ۲۳ گانه دیدیم) برخی از واج‌ها به چند شکل نوشته می‌شوند:



نکته ۱۹: بعضی از حروف نیز برای نمایش چند واج به کار می‌رود:

صامت < وام، وَرم، ورد	«واو»
مصوت بلند < خوب، رود، نور	
مصوت کوتاه < خورشید، خوردن، خوراک	
صامت < یواش، یمن، یدک	«ی»
مصوت بلند < دین، ایران، شیک	
صامت < اسب، آبر، اسم	«ا»
مصوت بلند < مار، کارد، بابا	
صامت < هزار، ماه، هنرمند، تشبیه	«ه»
مصوت کوتاه < خانه (ـِه)، مورچه (ـِه)، نوشته (ـِه)	

نکته ۲۰: هر هجا حداقل < ۲ واج و حداکثر < ۴ واج دارد.

[کلاً هجاهای زبان فارسی یا ۲ واجی هستند یا سه‌واجی یا چهارواجی]

★ استثنا: چند واژه دخیل در زبان فارسی وارد (داخل) شده‌اند که بیش از ۴ واج دارند:

تمبر $\left\{ \begin{array}{l} \text{یک هجا} \\ \text{۵ واج < ت / م / ب / ر /} \end{array} \right.$
 ولی ما هنگام خواندن این کلمه، یک واج آن را (= واج «ب») تلفظ نمی‌کنیم و می‌خوانیم < تَمُر / ت / م / ر / < ۴ واج

لوشتر $\left\{ \begin{array}{l} \text{یک هجا} \\ \text{۵ واج < ل / و / س / ت / ر /} \end{array} \right.$

ما در زبان فارسی معمولاً این واژه را به دو هجا تبدیل می‌کنیم و می‌خوانیم < لوس / تَر / ل / و / س / ت / ر /

نکته ۲۱: هیچ‌گاه دو مصوت، کنار هم نمی‌آیند.

< صامت + مصوت + مصوت

در حالی که دو یا سه صامت می‌توانند در کنار هم قرار بگیرند؛ مثلاً سه صامت «ر، گ، م» در واژه «بزرگ‌مرد» / ب / ر / گ / م / ز / ا / ر / ا / گ / م / ز / ا / ر / ا / د /

نکته ۲۲: واج «همزه» (همان‌گونه که ذکر گردید) نماینده آوایی (صدایی) دو حرف است: ۱- (ه) همزه ۲- (ع) عین

مثال:

رأس / ر / ا / ع / ا / س / همزه	آشک / ا / ع / ا / ش / ک / همزه
معالج / م / ا / ع / ا / ل / ا / ج / عین	رغد / ر / ا / ع / ا / د / عین

نکته ۱۳: واژه‌های دو تلفظی را چگونه واج شماری می‌کنیم؟

مثال: «مهرَبان و مهرَبان // روزگار و روزگار // جزیان و جزیان»

پاسخ: مشخص است که دو گونه واج شماری می‌شود؛ مثلاً:

مهرَبان ← م / ه / ر / ب / ا / ن / ← [۳ هجا و ۸ واج]
مهرَبان ← م / ه / ر / ب / ا / ن / ← [۲ هجا و ۷ واج]

★ در پاسخ‌گویی به چنین سؤالات و تست‌هایی باید آن شکلی را مد نظر قرار دهیم که هجای بیشتری دارد؛ یعنی «مهرَبان» (۳ هجا و ۸ واج) یا جزیان (۳ هجا و ۷ واج) یا روزگار (۳ هجا و ۷ واج)

نکته ۱۴: در سؤالات مربوط به «واج شماری» هر جا که به مشکل برخوردید و مُردّد شدید، حتماً ابتدا کلمات را بخش بخش (هجا هجا) کنید و سپس واح‌های هر هجا را به تفکیک، بررسی و شمارش نمایید. بویژه در عبارت‌هایی که حرف ربط و عطف «واو» وجود دارد. هیچ‌گاه «واو» را «و» تلفظ نکنید؛ حتماً به صورت «و +» بخوانید و واج شماری نمایید.

مثال: محمد و مریم
م / م / ح / م / م / د / و / م / ا / ر / ا / ی / م / ← [۱۶ واج] (بخوانیم)
م / م / ح / م / م / د / و / م / ا / ر / ا / ی / م / ← [۱۵ واج] (نخوانیم)
علم و دین
ع / م / ل / م / و / د / ا / ی / ن / ← [۹ واج] (بخوانیم)
ع / م / ل / م / و / د / ا / ی / ن / ← [۸ واج] (نخوانیم)

نکته ۱۵: در مورد واژه‌هایی که در میان آن‌ها «همزه» می‌آید؛ مانند «آتش‌افروز، مردافکن و نوش‌آفرین» چگونه واج شماری کنیم؟

پاسخ: این گونه واژه‌ها نیز به دو صورت تلفظ می‌شوند
۱) بدون حذف همزه
۲) با حذف همزه

آتش‌افروز
بدون حذف همزه: ا / ت / ا / ش / ا / ف / ا / ر / و / ز / ← [آتش / آف / روز]
با حذف همزه: ا / ت / ا / ش / ا / ف / ا / ر / و / ز / ← [آ / ت / شَف / روز]
مردافکن
بدون حذف همزه: م / ا / ر / د / ا / ف / ا / ک / ا / ن / ← [مرد / آف / کن]
با حذف همزه: م / ا / ر / د / ا / ف / ا / ک / ا / ن / ← [مَر / ذف / کن]

★ نکته مهم: توجه داشته باشید که هرگاه چنین واژه‌هایی در سؤالات مطرح گردید، شک نکنید که منظور طراح (البته طبق تجربه سال‌های متوالی اخیر) واج شماری «بدون حذف همزه» است:

آ / ت / ش / آف / روز / [۱۱ واج] // مرد / آف / کن / [۱۰ واج] // نوش / آف / رین / [۱۰ واج]

□ با شناخت کامل «واج» (که البته در اصل، مربوط به «درس دوم» است)، حال می‌پردازیم به «قواعد واجی»

نکته ۱۶: تعریف قواعد واجی: قواعدی است که مانع از اجتماع (= جمع شدن) برخی از واح‌ها در کنار هم می‌شود.

نکته ۱۷: قواعد واجی معمولاً به دو شکل زیر می‌آید (= موارد و خطاهای مربوط به قواعد واجی):

الف) عدم رعایت الگوهای هجایی:

واح‌های زبان فارسی براساس ۳ الگوی هجایی زیر، در کنار هم قرار می‌گیرند:

یک) صامت + مصوّت: و، ما، مو، سه، تو

دو) صامت + مصوّت + صامت: سَر، بار، آب، دُر، مار

سه) صامت + مصوّت + صامت + صامت: قَرَد، گفت، کارد، درد

★ تولید واحدهایی از قبیل «سَر» و «مَرَد» غیرممکن است زیرا این واحدها تابع هیچ‌یک از الگوهای هجایی سه‌گانه بالا نمی‌باشد (اصلاً «مصوّت» در این هجاها وجود ندارد)

ب) واح‌هایی که واج‌گاه مشترک یا نزدیک به هم دارند؛ معمولاً نمی‌توانند بی‌فاصله در کنار هم قرار بگیرند؛ مثلاً جایگاه واح‌های «ب / و / پ / ا» // «چ / ا / ش / ا / ج / و / ا / ژ / ا» // «ت / و / د / ا» و ... به هم نزدیک است، به همین دلیل نمی‌توانیم آن‌ها را بی‌فاصله در کنار هم قرار دهیم و واژه‌هایی مانند «وَنَد، دَاگَنگ، بِچَش» بسازیم (هرچند این واژه‌ها الگوی هجایی را رعایت کرده‌اند)



نکته ۲۸: «واجگاه» چیست؟ به دستگاه تولید صداها (واج‌ها) گفته می‌شود و شامل لب‌ها، دندان‌ها، لثه، کام، نای و ... است. به واجگاه، «مَخْرَج حروف» نیز می‌گویند.

فَتَايَت:

آیا ساختن تکواژها یا واژه‌های روبه‌رو امکان‌پذیر است؟ چرا؟ «چشمش، متدین، بپرند، داگگ»
 پاسخ: واج‌های «ش» و «ش» در واژه «چشمش» یا فاصله از هم‌دیگر قرار دارند. واج‌های «ت» و «د» در کلمه «مَتَدِیْن» ساکن نمی‌باشند. واج‌های «ب» و «پ» در واژه‌های «بِپَرند» نیز ساکن نمی‌باشند؛ به همین دلیل، ساختن این واژه‌ها امکان‌پذیر است. اما به علت این که واجگاه واج‌های «گ» و «ک» در واژه «داگگ» نزدیک به هم است و بی‌فاصله در کنار یک‌دیگر قرار گرفته‌اند، ساختن این واژه امکان‌پذیر نمی‌باشد.

نکته ۲۹: «قواعد واجی» ^{مربوط است به} ← ساختن «واج‌ها، تکواژها و واژه‌ها».

۲- قواعد هم‌نشینی

مرحله دوم ترکیب و ساختن واحدهای زبانی، ساختن «گروه» از ترکیب «تکواژها و واژه‌ها» است که مربوط می‌گردد به «قواعد هم‌نشینی».

نکته ۳۰: تعریف قواعد هم‌نشینی: قواعدی است که به ما کمک می‌کند تا بتوانیم از ترکیب تکواژها یا واژه‌های مناسب، «گروه اسمی، قیدی و فعلی مناسبی» تولید کنیم.

مثال: «پسرانه شازده تهران منطقه فرهنگ دبیرستان» ← [دبیرستان نمونه پسرانه فرهنگ منطقه شازده تهران]
 این جغرافیای نقشه ← این نقشه جغرافیا
 برمی‌گشتند داشتند ← داشتند برمی‌گشتند
 آباد زمین این ← این زمین آباد

نکته ۳۱: «قواعد هم‌نشینی» ^{مربوط است به} ← ساختن «گروه» (از ترکیب تکواژها و واژه‌ها)

۳- قواعد نحوی

مرحله سوم، «جمله‌سازی» است که مربوط می‌شود به قواعد نحوی.

نکته ۳۲: تعریف قواعد نحوی: صافی بسیار دقیقی است که جمله‌ها را قبل از تولید، بررسی می‌کند و در صورتی که مطابق معیارهای زبان باشد، اجازه تولید آن‌ها را می‌دهد. به این صافی «قواعد نحوی» می‌گوییم.

نکته ۳۳: «قواعد نحوی» به شکل‌های زیر دیده می‌شود:

الف) عدم مطابقت نهاد و فعل:

«من آمدم». ← «من آمدم.»
 «تو او را دیدند». ← «تو او را دیدی.»

ب) جمله‌های کلیشه‌ای:

«من من را در آینه دیدم». ← «من خودم را در آینه دیدم.»
 «تو تو را سرزنش نکن». ← «تو خود را سرزنش نکن.»

پ) رعایت نکردن قوانین نحوی و دستوری [از جمله آن که مثلاً فعل جمله، ناگذر به مفعول باشد اما مفعول بیآوریم]:

«علی اسب را دويد». ← «علی اسب را دواند.»
 «من محمد را نشستام». ← «من محمد را نشانده‌ام.»

۴- قواعد معنایی

نکته ۳۴: تعریف قواعد معنایی: قواعدی است که به ما کمک می‌کند تا جمله‌هایی بامعنا بسازیم و آن‌ها را در موقعیت‌های مناسب به کار ببریم. [یا صافی است که جمله را از نظر «معنایی» بررسی می‌کند].

مثال: «پرنده آسمان آبی را نشانده است». ← «پرنده آسمان آبی را به تسخیر خود درآورده است.»

«کتاب، پرنده را شکار کرد». ← «عقاب، پرنده را شکار کرد.»

□ جملات بالا از نظر قواعد واجی، هم‌نشینی و نحوی، درست‌اند اما از نظر معنایی نادرست هستند.

فَعَالِیت:

با استفاده از روش جانشین‌سازی، جمله «کیفم با دل خوشی مدادش را تراشید.» را بازسازی کنید تا به جمله عادی معنادار تبدیل شود.
پاسخ: نیایش با دل خوشی و علاقه، مدادش را تراشید.

۵- قواعد کاربردی

- نکته ۳۵: تعریف قواعد کاربردی: قواعدی است که به ما کمک می‌کند تا هر جمله‌ای را در جایگاه و موقعیت خودش به کار ببریم.
- نکته ۳۶: در قواعد کاربردی، معمولاً دو جمله به صورت پرسش و پاسخ می‌آید که پاسخ، هیچ ربطی به سؤال ندارد. به عبارتی دیگر، قواعد کاربردی < پاسخ بی‌ربط به یک پرسش است (یا آوردن جملاتی از پی هم که هیچ ربطی به هم ندارند).
مثال: «آیا درس خوانده‌ای؟ پدرم حالش بهتر است.»
«چگونه در کنکور موفق شدی؟ امروز برف می‌بارد.»
«دبیرستان شما در کدام خیابان است؟ این رسم برادری نیست.»
- مثال‌های ذکرشده، همگی از نظر قواعد واجی، هم‌نشینی، نحوی و معنایی درست‌اند اما پاسخ به‌جا و مناسبی برای پرسش‌های مرتبط با خود نیستند؛ از این‌رو می‌گوییم که «قواعد کاربردی» را رعایت نکرده‌اند و به همین سبب در زبان کاربرد ندارند.

خودآزایی

۱- برای هر یک از قواعد نحوی و معنایی، یک مثال بنویسید.

پاسخ:

- قواعد نحوی: } نادرست ← «او همیشه خوش حال هستند.»
درست ← «او همیشه خوش حال است.»
- قواعد معنایی: } نادرست ← «کتاب غذایش را با من خورد.»
درست ← «علی غذایش را با من خورد.»

۲- چرا واحدهای زبانی زیر کاربرد ندارند؟

پاسخ: امیرکبیر دولتی دبیرستان: به علت عدم رعایت «قواعد هم‌نشینی» [← دبیرستان دولتی امیرکبیر]
دانش‌آموز در درس خواندن کوشا هستند: به علت عدم رعایت «قواعد نحوی» (= عدم مطابقت نهاد و فعل) [← دانش‌آموز در درس خواندن کوشا است].
رفتند می‌داشتند: به علت رعایت نکردن «قواعد هم‌نشینی» [← داشتند می‌رفتند]

۳- الگوی هجایی واحدهای زبانی زیر را بنویسید.

- مثال: آداب > آ = صامت + مصوت بلند
دب = صامت + مصوت بلند + صامت
رعد ← ر = صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت
- خویش (خیش) = صامت + مصوت بلند + صامت > خورشید > خور (خُر) = صامت + مصوت کوتاه + صامت
شید = صامت + مصوت بلند + صامت
- تَن = صامت + مصوت کوتاه + صامت > بنفشه > بَ = صامت + مصوت کوتاه
نَف = صامت + مصوت کوتاه + صامت
ش (شِ) = صامت + مصوت کوتاه
- مؤذن > م = صامت + مصوت کوتاه
ءذ = صامت + مصوت کوتاه + صامت
ذِن = صامت + مصوت کوتاه + صامت
- ماه ← م = صامت + مصوت بلند + صامت



معنی برخی از واژه‌ها و ترکیبات درس اول

مُتَدِّین: دین‌دار، بایمان، بادیانت // صافی: پاکیزه، روشن و خالص؛ (در این جا) منظور «فیلتر»ی است که به وسیله آن، چیزی را صاف و پالایش می‌کنند و ناخالصی‌های آن را جدا می‌نمایند // مُجَاز: اجازه داشتن (مُجاز نیستیم ← اجازه نداریم؛ حَقّ انجام این کار را نداریم) // مَوْذَن: اذان‌گو // کام: دهان، داخل و سقف دهان (معنی دیگر: آرزو) // نای: گلو، حلقوم // مَخْرَج: محلّ خروج.

پرسش‌های درس اول

- ۱- کدام واژه براساس الگوی «صامت + مصوّت + صامت + صامت» ساخته نشده است؟
(الف) تیر (ب) سرد (پ) ابر (ت) فیض
(عمومی- فرداد ۹۲)
- ۲- واژه «آینده» چند صامت دارد؟
- الگوی هجایی هر یک از واژگان زیر را بنویسید.
(عمومی- فرداد ۹۳)
- ۳- رؤیت
(عمومی- دی ۸۹)
- ۴- هیئت
(عمومی- شهریور ۸۸)
- ۵- آسایش
(عمومی- فرداد ۹۳ و دی ۹۰)
- ۶- خویشاوند
(عمومی- فرداد ۹۱)
- ۷- کوچک‌ترین واحد زبان و بزرگ‌ترین واحد زبان است.
(اقتصادی- دی ۸۶)
- ۸- کدام یک از الگوهای هجایی زیر نادرست است؟ دلیل آن را بنویسید.
(الف) صامت + مصوّت + صامت (ب) مصوّت + صامت + صامت
(اقتصادی- فرداد ۸۶)
- ۹- کدام یک از الگوهای هجایی زیر در فارسی معیار کاربرد ندارد؟ چرا؟
(الف) صامت + مصوّت + صامت (ب) صامت + صامت + مصوّت + صامت
(اقتصادی- فرداد ۸۳ و فرداد ۸۷)
- ۱۰- برای هر یک از الگوهای هجایی زیر، مثالی ذکر کنید.
(الف) صامت + مصوّت + صامت (ب) صامت + مصوّت
(عمومی- شهریور ۸۷)
- ۱۱- با توجه به الگوی هجایی واژه‌های زیر، در هر مورد غلط را بیابید و تصحیح کنید.

آ = مصوّت بلند ر = صامت + مصوّت کوتاه زو = صامت + مصوّت بلند	بُ = صامت + مصوّت کوتاه نَف = صامت + مصوّت کوتاه + صامت شه (ش) = صامت + صامت
--	--

 (ب) بنفشه
(عمومی- شهریور ۸۹)
- ۱۲- چرا واژه «داغک» با وجود برخورداری از الگوی هجایی، در زبان معیار کاربرد ندارد؟
(عمومی- فرداد ۸۳)
- ۱۳- کدام قواعد ترکیب به ما کمک می‌کند، هر جمله را در جایگاه خودش به کار ببریم؟
(عمومی- شهریور ۸۶)
- ۱۴- در نوشته زیر، دو مورد بیابید که با قواعد ترکیب، هماهنگی نداشته باشد.
«در حالی که می‌دوید، با شادی فریاد کشید: بجش متولّد شد. چه روز خوبی! در بیست و دوم روز بهمن ۱۳۸۶»
(اقتصادی- فرداد ۸۷)
- کدام قواعد ترکیب در تولید واحدهای زبانی زیر، رعایت نشده است؟
(عمومی- فرداد ۹۱)
- ۱۵- لسان‌الغیب لقب چه کسی است؟- شهر ما خانه ماست.
(عمومی- دی ۹۰)
- ۱۶- امین با دوستانش به نمایشگاه کتاب رفتند.
(عمومی- دی ۹۰)
- ۱۷- چه هوای گوش خراشی!
(عمومی- شهریور ۹۰)
- ۱۸- گروه کوهنوردی روز جمعه به قلّه دماوند صعود کردند.
(عمومی- شهریور ۸۷)
- ۱۹- سبز درختان شمال جنگل، انسان‌ها را می‌کارند.
(اقتصادی- دی ۸۶)
- ۲۰- من، من را سرزنش می‌کنم.
(اقتصادی- دی ۸۱)
- ۲۱- نسیم بهاری گونه گلبرگ‌ها را نوازش می‌کنند.

- چرا واحدهای زبانی زیر، کاربرد ندارند؟ صحیح هریک را بنویسید.

(عمومی- فرداد ۸۶)

۲۲- نور، درخت شاخه‌های نازک‌ترین را نوازش می‌کرد.

(افتمامی- دی ۸۵ و شهریور ۸۴)

۲۳- تو، تو را مقصر می‌دانی.

پاسخ‌های تشریحی درس اول

۱- الف: تیر < ت / ی / ر < «صامت + مصوّت + صامت»

۲- آینده < ا / ی / ن / د / ر / < «صامت + مصوّت + صامت»

۳- رؤیت < ر / ی / ت < «صامت + مصوّت کوتاه + صامت»
 یّت: ی / ت < «صامت + مصوّت کوتاه + صامت»

۴- هیئت < ه / ی / ت < «صامت + مصوّت کوتاه + صامت»
 ئت: ت / ت < «صامت + مصوّت کوتاه + صامت»

۵- آسایش < آ / ا / ش < «صامت + مصوّت بلند»
 سا: س / ا < «صامت + مصوّت بلند»
 یش: ی / ش < «صامت + مصوّت کوتاه + صامت»

۶- خویشاوند < خ / ی / د < «صامت + مصوّت بلند»
 شا: ش / ا < «صامت + مصوّت بلند»
 وند: و / ن / د < «صامت + مصوّت کوتاه + صامت + صامت»

۷- واج / جمله مستقل

۸- ب) زیرا در زبان فارسی هیچ هجایی با مصوّت آغاز نمی‌شود.

۹- ب) زیرا هرگز نمی‌توان در ابتدای هجا، دو صامت را بلافاصله پشت سر هم به‌کار برد. دیگر آن که همیشه واج دوم هجاها، «مصوّت» است.

۱۰- الف) ماه، گل، در و ...

ب) مو، سی، را و ...

۱۱- الف) آ (ا / ا) < صامت + مصوّت بلند

ب) شه (ش) < صامت + مصوّت کوتاه

۱۲- «گ و ک» واجگاه نزدیک به هم دارند و نمی‌توانند بدون مصوّت و بی‌فاصله در کنار یکدیگر قرار بگیرند.

۱۳- کاربردی

۱۴- بپُش: خلاف قاعده «واجی»

بیست و دوم روز بهمن: خلاف قاعده «هم‌نشینی»

۱۵- کاربردی

۱۶- نحوی

۱۷- معنایی

۱۸- نحوی

۱۹- هم‌نشینی / معنایی

۲۰- نحوی

۲۱- نحوی

۲۲- زیرا خلاف قاعده هم‌نشینی است. < نور، نازک‌ترین شاخه‌های درخت را نوازش می‌کرد.

۲۳- زیرا خلاف قاعده نحوی است. < تو خودت را مقصر می‌دانی.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

سراسری

۱- الگوی هجایی واحدهای زبانی واژه‌های «ابر - همه - تویی»، به ترتیب در کدام گزینه درست است؟ (تجربی ۹۳)

- (١) (صامت + مصوَّت + صامت + صامت) (صامت + مصوَّت + صامت + صامت) (صامت + مصوَّت + مصوَّت + صامت + صامت)
 (٢) (مصوَّت + صامت + صامت) (صامت + مصوَّت + صامت + صامت) (صامت + مصوَّت + صامت + مصوَّت)
 (٣) (صامت + مصوَّت + صامت + صامت) (صامت + مصوَّت + صامت + مصوَّت) (صامت + مصوَّت + صامت + مصوَّت)
 (٤) (مصوَّت + صامت + صامت) (صامت + مصوَّت + صامت + مصوَّت) (صامت + مصوَّت + صامت + مصوَّت)

۲- الگوی هجایی واحدهای زبانی واژه‌های «وام - سیل - رمه - آش»، به ترتیب با همهٔ واژه‌های کدام گزینه منطبق است؟ (زبان ۹۳)

- (۱) حال - دید - رده - آب (۲) پر - دَرَد - خانه - صد (۳) کارد - غیر - گله - سرد (۴) سود - رخت - گره - باد

۳- واج‌های صامت «ص» و مصوّت «م» کدام گزینه با واژه «بهجت‌انگیز» مطابقت می‌کند؟ (ریاضی ۸۵)

- (۱) ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص
 (۲) ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص
 (۳) ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص
 (۴) ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص

۴- اگر صامت‌ها را با «ص» و مصوت‌ها را با «م» نمایش دهیم، ترکیب واج‌های واژه «آسایشگاه» به ترتیب در کدام گزینه نشان داده شده است؟

- (۱) ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص
 (۲) ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص
 (۳) ص / م / ص / م / ص / م / ص / م / ص
 (۴) م / ص / م / ص / م / ص / م / ص / م
- (انسانی ۸)

آزمایشی سنجش

۵- در بین واژه‌های «تذکره، نه، نه، خواننده، پوشه، سحرگاه، خواه، شب‌پره، پنبه، بیچاره، خوابگاه، پایه، گوینده، مخفیانه، جانکاه» «ه‌یاه» پایانی در چند

واژه نشانه «صامت» است؟

- (۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت

۶- در بین واژه‌های «رعد، گل، میخ، بلند، خشت، سحر، نیست، فرد، کتف، خواست، بوم، یال، ماه، سیب، صلح» چند واژه بر اساس الگوی هجایی

«صامت + مصوّت + صامت + صامت» ساخته شده است؟

- (۱) شش (۲) هفت (۳) هشت (۴) نه

۷- اگر ترکیب «املائی تقریری» را براساس صامت (ص) و مصوّت (م) کنار هم قرار دهیم، کدام مورد درست است؟ (سنجش ۹۱)

- (۱) ص م ص ص م ص ص م ص ص م ص م
(۲) ص م ص م ص ص م ص ص م ص ص م
(۳) ص م ص م ص م ص م ص م ص م ص م
(۴) ص م ص م ص م ص م ص م ص م ص م

۸- واحدهای زبانی «صداها دستگاه تولید»، «آنها ناجوانمردانه قسم می‌خورد»، «شیشه از خواب پرید» به ترتیب از کدام قواعد حاکم بر زبان

برخوردار نیستند؟ (سنبش ۹۱)

- (۱) معنایی، نحوی، کاربردی (۲) هم‌نشینی، نحوی، معنایی (۳) واجی، هم‌نشینی، معنایی (۴) هم‌نشینی، معنایی، کاربردی

۹- قواعد به ما کمک می‌کند تا بتوانیم از ترکیب تکواژها یا واژه‌های مناسب، گروه‌های اسمی، قیدی و فعلی مناسبی تولید کنیم. (سنجش ۹۰)

- (۱) واجی (۲) هم‌نشینی (۳) نحوی (۴) کاربردی

۱۰- کدام مورد برای نوشتن در محلّ نقطه چین شده مناسب است؟ (سنجش ۸۹)

«در این جا نیز قواعدی خاص به ما کمک می کنند تا هر جمله ای را در جایگاه مناسب خودش به کار ببریم که به آن ها می گویند.»

- (۱) قواعد کاربرد، (۲) قواعد هم‌نشینی، (۳) قواعد نحوی، (۴) قواعد معنایی

۱۱- در جمله «چو یاران، آسمان آبی، را رسانیدند.» کدام یک از قواعد ترکیب زبان رعایت نشده است؟ (سهمش ۸۸)

- (۱) قواعد واجبی (۲) قواعد نحوی (۳) قواعد معنایی (۴) قواعد هم‌نشینی

۱۲- عدم کاربرد هر یک از واحدهای زبانی زیر به ترتیب به کدام یک از قواعد زبان مربوط است؟ (سنجش ۸۸)

«محلّۀ شلوغ‌ترین ما - همواره نمی‌توانیم بر مشکلات پیروز شد - پرنده کتاب را صحافی کرد»

- (۱) کاربردى - معنائى - نحوى
(۲) هم‌نشینی - معنائى - کاربردى
(۳) معنائى - کاربردى - نحوى
(۴) هم‌نشینی - نحوى - معنائى

(۴) قواعد نحوی، قواعدی هستند که با کمک آن‌ها می‌توان از ترکیب تکواژها و واژه‌ها گروه ساخت.

(۳) طبقه‌بندی گاو، هیچ‌گاه دو صامت در کنار هم نمی‌آیند.

۷- (۳) املای تقریری: ء - / م / ل / ا / ی / - / ت / ـ / ق / ر / ی / ر / ی (ص + م + ص + ص + م + ص + م + ص + ص + م + ص + م)



۸- (۲) بررسی واحدها:

صداها دستگاه تولید: قاعدهٔ زبانی رعایت نشده: هم‌نشینی / شکل درست ترکیب: دستگاه تولید صداها
 آن‌ها ناجوانمردانه قسم می‌خورد: قاعدهٔ زبانی رعایت نشده: نحوی / شکل درست جمله: آن‌ها ناجوانمردانه قسم می‌خورند.
 شیشه از خواب پرید: قاعدهٔ زبانی رعایت نشده: معنایی / شکل درست جمله: جملاتی مانند «او از خواب پرید» یا «شیشه شکست»
 قواعدی که به ما کمک می‌کنند تا بتوانیم از ترکیب تکواژها یا واژه‌های مناسب، گروه اسمی، قیدی و فعلی مناسبی را تولید کنیم، «قواعد هم‌نشینی» نامیده می‌شوند.

۹- (۲)

۱۰- (۱) به قواعدی که به ما کمک می‌کند تا هر جمله را در جایگاه خودش به‌کار ببریم، «قواعد کاربردی» می‌گویند.

۱۱- (۳)

«قواعد معنایی» قواعدی‌ست که بر معنی‌دار بودن جمله‌های ساخته شده نظارت می‌کند. جملهٔ «چوپانان آسمان آبی را رسانیدند.» بر اساس زبان فارسی معیار، جمله‌ای بی‌معناست؛ بنابراین، قواعد معنایی در آن رعایت نشده است.

۱۲- (۴)

محلهٔ شلوغ‌ترین ما: سرپیچی از قواعد هم‌نشینی / شکل درست این واحد زبانی: شلوغ‌ترین محلهٔ ما / همواره نمی‌توانیم بر مشکلات پیروز شد: سرپیچی از قواعد نحوی / شکل درست این واحد زبانی: همواره نمی‌توانیم بر مشکلات پیروز شویم. (البته لازم است واژهٔ «همواره» نیز پس از فعل «نمی‌توانیم» بیاید تا مشکل «کژتابی» جمله برطرف شود.) / پرندۀ کتاب را صحافی کرد: سرپیچی از قواعد معنایی / شکل درست این واحد زبانی: پرندۀ پرواز کرد؛ صحاف کتاب را صحافی کرد ... (و مانند این‌ها)

۱۳- (۳)

گزینۀ (۳) شرحی دربارهٔ «قواعد واجی»‌ست. قواعد واجی شاخه‌ای از قواعد ترکیب زبان است که بر اساس آن، واج‌هایی با واجگاه یکسان یا متشابه نباید در کنار هم قرار گیرند.

بررسی سایر گزینۀها:

(۱) بر اساس قواعد هم‌نشینی؛ هر زبانی نه از کلیۀ امکانات هم‌نشینی تکواژها و واژه‌هایش، بلکه از بعضی از این امکانات استفاده می‌کند؛ به بیان ساده‌تر؛ این‌گونه نیست که هر واژه‌ای بتواند با هر واژهٔ دیگر و به هر شکل ممکن تشکیل گروه اسمی بدهد، بلکه واژه‌ها فقط به همان صورت که سخن‌گویان به هر زبان می‌پسندند، در کنار هم قرار می‌گیرند.

(۲) قواعدی که اجازه می‌دهد گروه‌ها به‌درستی کنار یک‌دیگر قرار بگیرند «قواعد نحوی» نام دارد و «قواعد کاربردی» قواعدی‌ست که بر کاربرد مناسب جمله‌ها با توجه به شرایط و موقعیت، نظارت می‌کند.

(۴) قواعدی که با کمک آن می‌توان از ترکیب تکواژها و واژه‌ها گروه ساخت، «قواعد هم‌نشینی» نام دارد.

دقت کنیم! صورت سؤال، ایراد دارد؛ زیرا در واژهٔ «بلند» هم، هجای دوم، براساس الگوی هجایی «صامت + مصوّت + صامت + صامت» ساخته شده. ظاهراً منظور طراح، تنها بررسی واژه‌های «تک‌هجایی» بوده و البته نتوانسته منظور را به درستی منتقل کند.

۱۴- (۱)

پرگویی: پ / ا / ر / ا / گ / و / ی / ای ؛ واج مشخص شده در گزینۀ (۱) مصوّت بلند «ی» /i/ است.

بررسی سایر گزینۀها:

(۳) مبین: م / ب / ا / ی / ی / ا / ن

صامت‌های «ی» /y/

(۲) بینابین: ب / ا / ی / ا / ن / ا / ب / ا / ی / ا / ن

صامت «ی» /y/

(۴) پیشرو: پ / ی / ا / ش / ا / ر / ا / و

صامت «و» /w/

دقت کنیم! الف) در گزینۀ (۳) حرف مشخص شده - با توجه به نشانهٔ تشدید - در حقیقت، خود شامل سه واج «ی / ا / ی» است که مورد غفلت طراح محترم قرار گرفته.

ب) در گزینۀ (۴) واژهٔ «پیشرو» را بر اساس نحوهٔ خوانش (تلفّظ) طراح سؤال واج‌نویسی کردیم، در حالی‌که این واژه غالباً امروز با یک مصوّت کوتاه در واج آخر، خوانده می‌شود و خوانش مورد انتخاب طراح، تلفّظ نسل‌های پیش از ما را در مورد این‌گونه واژه‌ها نشان می‌دهد. واژهٔ «پیشرو» در زبان فارسی امروز، این‌طور خوانده می‌شود: «پ / ی / ا / ش / ا / و»

۱۵- (۱)

هجانویسی واژهٔ «مه‌روی»: مه | روی

واج‌نویسی واژهٔ «مه‌روی»: م / ا / و / ا / ر / و / ی

واج‌نویسی هجای اول واژهٔ «مه‌روی»: م / ا / و : صامت + مصوّت کوتاه + صامت

۱۶- (۴)

بررسی سایر گزینۀها:

(۱) بعد از واج، کوچک‌ترین واحد زبان تکواژ است. «واژه» واحدی‌ست بزرگ‌تر از تکواژ که شامل تکواژهای آزاد می‌شود.

(۲) قواعد هم‌نشینی بر ساخت صحیح «گروه» نظارت می‌کند و قواعد ناظر بر ساخت صحیح جمله، قواعد نحوی نام دارد.

(۳) طبق الگوی هجایی زبان فارسی، دو صامت ممکن است در کنار هم بیایند، به شرطی که دو صامت ابتدایی هجا نباشند؛ به بیان دیگر، هجاهای اول و دوم نباید هر دو، صامت باشند، امّا هجای سوم و چهارم می‌توانند صامت باشند.